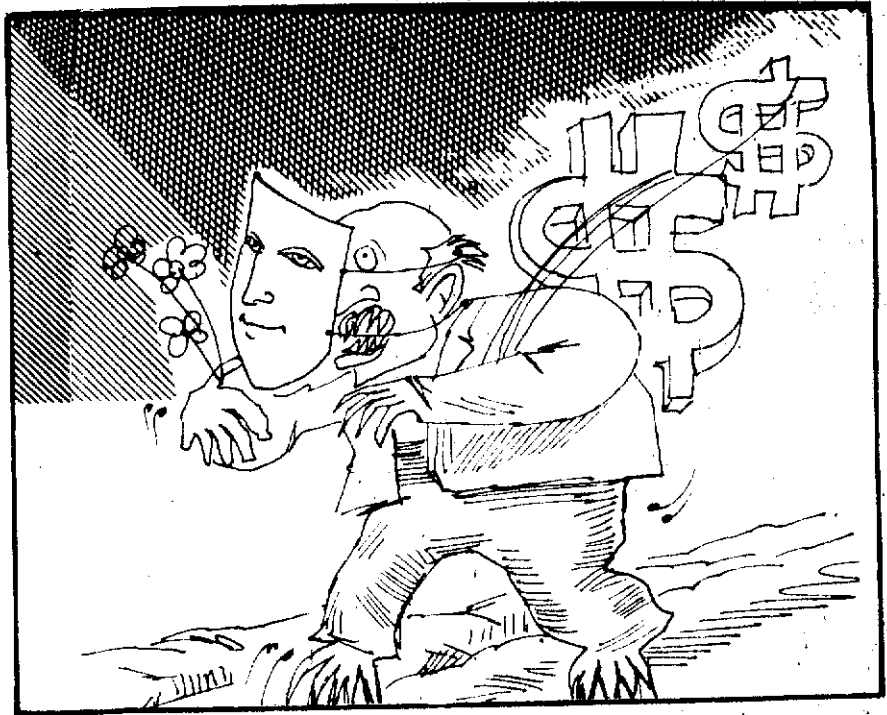


خبر کردن مردم از اوضاع عمومی «خودشان» دارند.

همچنانکه در گذشته گفتیم آیات و نشانه‌هایی که خداوند در آنها چهره جوامع و تدبیرها را ترسیم میکند بطور کلی از دو هدف و خصوصیت عمده برخوردارند.

۱- بررسی ساختمان و ساختار جوامع مختلف، و تقسیم بندی گروه‌ها و طبقات اجتماعی درون این جوامع و بیان خصوصیات و ویژگی‌های هر گروه و طبقه.

۲- دادن بینش تاریخی و اجتماعی به



«ملاء» یاسیه

انسانها، از طریق نشان دادن سنتهای الهی این دو هدف در تحلیل آیات اجتماعی و تاریخی قرآن، ارتباط فشرده و پیوسته‌ای باهم دارند و عدم توجه به یکی از اهداف فوق تحقیقا «بحث و تحلیل» را دچار اشکال خواهد نمود (۶)

ملاء را در قرآن مجید در دو رابطه میتوان تحلیل نمود.

۱- بررسی «جگونگی» و کیفیت نگرش این گروه به هستی، (جهان بینی «ملاء»)
۲- بررسی خصلتهای گروهی و اجتماعی ملاء در ارتباط با سنتهای الهی.

۱- جهان بینی «ملاء»

اولین مسئله‌ای که همواره در تحلیل از گروهها و طبقات اجتماعی باید مدنظر قرار دهیم، دریافت و طرز نگرش آنها نسبت به جهان و «هستی» است. ملاء مانند دیگر نیروهای مستکبر جامعه طرز تلقی‌ای «فردگرایانه» «خودخواهانه» و بطور کلی «مادی» از جهان دارند، «ملاء» با یک موضعگیری غلط یعنی برخلاف حرکت رشد یابنده پدیده‌های آفرینش، دیدگان کوتاه بینشان را فقط به گنداب منافع فردی و خواستههای شخصی دوخته‌اند، و افق ارزشهای برتر را (انجا که رشد و بهره‌وری و رستگاری همگان را دربردارد)

نمی بینند قرآن مجید «جهان بینی» این گروه فاسد را که پیوسته با عملشان در تأثیر متقابل است، بدین گونه بیان میکند «قال الملا من قومه الذین

* در موارد مذکوره این قرآن صفت استکباری را برای مخالفان و ستیزه

جویان یا حق بکار برده است و یکی از مواردیکه قرآن با تاکید از آنها بعنوان

«مستکبر» نام برده گروه «ملاء» میباشد.

معنای لغوی «ملاء»

«ملاء» بلحاظ لغوی عبارتست از «جماعت خاصی از مردان (سیاسی)... و به این خاطر گفته شده‌اند ملاء که پر میکنند مجالس را (و رونق میدهند آن را)» (۳)

و نیز گفته‌اند آنها (ملاء) روساء و اشرافی‌اند که صدرنشینند و هیبت و جلال ظاهری آنان فریبنده است. (۴)

علامه طباطبائی در المیزان میفرماید «به این خاطر (این گروه) ملاء نام گرفته‌اند که پر میکند هیبت ظاهری آنها قلوب را و جلال و زینت دستگاه آنها چشم را حیران میکند (۵) و بطور کلی میتوان گفت ملاء اشرافی هستند که بخاطر جاه و جلال و منزلت خاصشان که از ویژه گی‌های هر جامعه استکباری است مردم را میفریبند»

فریفتن و اغفال کردن مردم یکی از خصوصیات حکومتهایی است که با سیاستها و دوزوکلکهای مختلف سعی در «حیرانی» و بی

بسم الله الرحمن الرحيم
تاریخ صحنه نبرد همیشگی حق علیه باطل است، جبهه حق به رهبری انبیاء و نذیران الهی، و به پشتیبانی و پشتیباری مستضعفین و جبهه باطل به پیشوایی قادران و ستیزگران و مستکبرین.

و ساختمان هر اجتماع استکباری نیز به همین گونه است، در طرفی استضعاف گران و در طرف دیگر محرومان خودآگاهی که رهبری انبیاء الهی را پذیرفته‌اند، (۱) ساختمان اداری و تشکیلاتی نظامات استکباری را دو نیروی عمده تشکیل میدهند: ۱- مستکبران اقتصادی ۲- مستکبران سیاسی

در چند شماره قبل به تبیین و تشریح وضعیت قدرتمندان اقتصادی جوامع استکباری از دیدگاه قرآن پرداختیم (۲) و حال می‌خواهیم موقعیت و خصوصیات «مستکبرین» سیاسی را در جوامع و نظامات مستکبر، از دیدگاه قرآن تبیین کنیم.

اصطلاحی را که قرآن کریم در خصوص این گروه ظالم به کار میبرد واژه «ملاء» میباشد.

کفروا و کذبوا ببقاء الاخره... ان هی الا حیاتنا
 الدنیا نموت ونحیا و مانحن بسمعوا ثین»
 «قدرتمندان سیاسی. آنها که خدا و دیدار
 آخرت را تکذیب کردند گفتند... «زندگی جز این
 دنیا نیست. میمیریم و زنده میشویم و هرگز برای
 پاداش و جزا برانگیخته نخواهیم شد».
 ریشه این گونه جهان بینی را خداوند در
 پیروی هوای نفس نشان میدهد.
 «ان الساعه آتیة... فلا یصد نک عنها من
 لایؤمن بها و اتبع هویه فتردی».
 «روز بازپسین خواهد آمد. مبادا کسی که

تصور باشد برای جاودان ساختن خویش بکار
 میبرند. تمامی تمهیداتی را که گروه ظالمین در
 طول تاریخ بر انسانها تحمیل کرده اند باید در
 خصلتهای کثیف و پلید آنها جستجو کرد.

الف - استخبار

کبر و ورزیدن بر خلق و بر احکام الهی به معنی
 انکار هر قدرت برتر و تصور اینکه هیچکس را
 در قدرت، علم و ثروت یارای برابری با آنها

موسی بالبینات فاستکبروا فی الارض و
 ما کانوا سابقین»

«و به تحقیق که آمد موسی با بینات روشن
 بسوی «قارون» و فرعون و «هامان» پس آنها
 استکبار ورزیدند و آنها نبودند از پیشتازان».

قارون و فرعون و هامان بیانگر چهره سیاسی -
 اقتصادی و شیوه حکومتی نظامات ستمگر است
 و خداوند همگی آنها را «استخبارگر» میخواند.

ب - استعلاء و «برتری جونی»

برتری جونی بر خلق از عین برسلطه آمده
 و کسب سیادت و «کبر» و «ملا» و «عزت» از
 خصوصیات و ریزه گی های «خصلتی» بارز
 گروه «ملاء» میباشد.

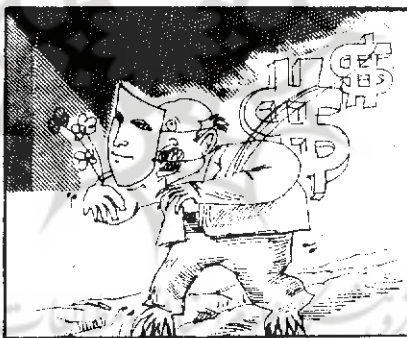
«ثم ارسلنا موسی و اخاه... انی فرعون و
 ملانہ فاستکبروا کانوا قوما عاقلین»

سیس فرستادیم موسی و برادرش را... بسوی
 فرعون و سیاستمداران و اشرافش. پس سرکشی
 و استکبار ورزیدند. و بردند قومی «برتری
 جونی»

* بدرستی روشن میباشد که هرگاه این
 ویژگی مذموم در جریان سیاسی رشد کند. آن
 گروه به یک جریان ضدخدا و ضد مردم بدل
 میگردد و در زمره طغیان گران بر سنت الله در می
 آیند. در جای دیگر خداوند فرعون را به عنوان
 سمبل یک نظام اقتصادی - سیاسی ستمگر،
 برتری جو و دارنده این خصوصیت و خصلت
 کثیف معرفی میکند. «ان فرعون علفی
 الارض...» «همانا فرعون برتری جونی کرد در
 زمین... (۴- قصص) همانگونه گفته شد فرعون

استمداران نظام جور

«در قرآن»



به پیروی از هوای نفس به ان ایمان ندارد و تو را
 از راه باز دارد»
 جهان بینی فردگرایانه و مادی و هوی
 پرستانه انسان را بر آن میدارد که در برخورد با
 پدیده های هستی اعم از طبیعی و تاریخی و
 اجتماعی و... فقط آن بعدش را توجیه کند که در
 رابطه با منافع و انگیزه های فردی است و «ملاء»
 نه این چنینند.

۲- بررسی خصلتهای گروهی - اجتماعی «ملاء» و ارتباط آن با سنتهای الهی

از آنجا که خط مشی و شیوه عمل جبهه باطل
 بطور کلی مخالف تاسوس تکامل جهان و
 سنت های الهی میباشد خواه ناخواه به نفی و
 انکار این قوانین از جانب جباران و ستمکاران
 میانجامد. در تمام طول تاریخ گردن کشان و
 متجاوزین و استعمارگران، قوانین خلقت را
 انکار کرده اند. تا دلیلی بر نفی وجود خود نبینند.
 مخالفت با هر جنبش و تحول تاریخی از صفات
 همیزه نیروهای استکباری است و چون تجربه
 تاریخی در همه حال گواه بر مرگ و نابودی
 نیروهای ضد الهی است. این گروه نیز همه قدرت
 خود را در ریشه کن ساختن هر عامل زنده و
 حیاتبخش به کار انداخته. هر تمهیدی را هر
 اندازه بیرحمانه و دهم نشانه و ضد انسانی و فوق

* اولین مسئله ای که همواره در تحلیل از گروهها و طبقات اجتماعی باید مد نظر

قرار دهیم، دریافت طرز نگرش آنها نسبت به جهان و «هستی» است.

سمبل نظام حکومتی ستمگر و خودجونی از
 ساخت سیاسی نظام حکومتی اش میباشد و
 انتساب فرعون به این خصلت رذیله در حقیقت
 نشانگر کل نظام حکومتی اش میباشد.

ج - «ملاء» سیاستمداران نظام «جور»

هر نظم و سیستم ظالمانه ای که در روی
 زمین بوجود آمده. برای بقای خود به یک نیروی
 «مدیر»، «مدیر» و تحلیل گر احتیاج دارد. تا بتواند،
 لطفا ورق بزیند

نیست. نفی تجربیات و ضروریات تاریخی
 بدین دلیل که همه این حقایق و واقعیات دلیل بر
 محکومیت قطعی آنهاست.

در موارد عدیده ای، قرآن صفت استکباری
 را برای مخالفان و ستیزه جویان با حق بکار برده
 است و یکی از مواردیکه قرآن با تاکید از آنها
 بعنوان «ستکبر» نام برده گروه «ملاء» میباشد.
 «قال الملا الذین استکبروا انا بالذی امنتهم به
 کافرون»

«گفتند» ملاء «ستکبر ما به آنچه شما ایمان
 آوردید کافریم»
 «وقارون و فرعون و هامان ولقد جاء هم

روش مقابله با جریان «حق» را به وسیله آنها کسب کرده و با نیروهای عدالتخواه جامعه به ستیز و مقاله برخیزد، مسلماً هر سیستم حکومتی تا وقتی بتواند از حربه های «سیاسی» بر علیه دشمنان خود استفاده کند، از دیگر سلاحهای «سرکوب» همچون «تبعید» و «اعدام» و غیره استفاده نمی کند، قرآن کریم این مسئله را به زیبایی در داستان حضرت سلیمان و بلقیس به بحث کشیده و بسیار زیبا تبیین نموده است.

«به هنگامی که سلیمان پیامبر فرستاده ای به سوی بلقیس می فرستد تا او را به توحید بخواند، و از استعلاء و برتری جوئیش منع کند، بلقیس برای مقابله با او «ملاء» را فراخوانده و چنین می گوید»

«... یا ایها الملوأ القری فی امری ماکت قاطعه امر» حتی تشهدن»
بلقیس رو به ملاء کرد و گفت:
«ای «رجال سیاسی» در این امر با من هم رأیی کنی که من تاکنون بی حضور شما تصمیم به کاری نگرفته ام»
در این آیه موقعیت خاص اجتماعی ملاء روشن میگردد، آیه شریفه نشان میدهد که تصمیم گیری نهائی برای مقابله با حق در هر شرایطی در نظامات استکباری بارائزنی «ملاء» انجام میشود، آری سیاستمداران رژیم های فاسد هستند که راههای «استعمار» و «استثمار» و «استعباد» توده های مردم را در جلوی پای ستمگران می نهند و با

مسخره می گیرند و آنها را دیوانه می خوانند تا بدین وسیله ذهنیت مردم را از توجه به آنها منحرف کرده و نیز با القاء کردن این مسئله توده ها را از نزدیک شدن به آنها جلوگیری نمایند، این برخورد «کسب بارزه و جنگ روانی بر علیه نیروهای «حق» می باشد.

*** سنتها و قوانین الهی در هر دوره با فراهم آمدن شرایط تکرار می کردند، و انقلاب کبیر اسلامیمان، سمبل جریان داشتن سنتهای الهی است.**

«قال الملاء الذین کفروا من قومه انالتریک فی سفاقة و انا لظنک من الکاذبین»
«رجال سیاسی» که کفر ورزیده بودند، گفتند مائو را سخت سفیه و بیخرد میابیم و گمان میکنیم تو سخت دروغگوئی «۶۵ اعراف»
«ویصنع الفلک و کلاما علیه ملاء من قومه سخروا منه...»
و چون نوح به ساختن کشتی پرداخت هر کس از رجال سیاسی قومش بر او گذر کردند او را مسخره نمودند...
(۳۸- هود)
اگر به جامعه و روزگار خودمان نظر

*** ملا نذیران الهی را به مسخره میگیرند و آنها را دیوانه می خوانند تا از نزدیک شدن توده ها بر آنها جلوگیری نمایند، این برخورد یک مبارزه و جنگ روانی بر علیه نیروهای حق نمی باشد.**

راهنمایی این گروه فاسد است، که راه برای به بند کلیدن انسان و انسانیت هموار می گردد.

«ملاء» و نذیران الهی

تبیینی را که قرآن کریم از برخورد «ملاء» با انبیاء و نذیران الهی داده، یک قانون اجتماعی - تاریخی از نحوه برخورد نیروهای توحیدی و نیروهای شرک در تمامی طول تاریخ است، اگر به تاریخ از دوزترین روزگار تا به امروز که عصر انقلاب «اسلامی» است نظر بیفکنیم، همواره نمونه برخورد این ۲ جریان را عینه مبینیم.

برخورد ملاء با نیروهای الهی بطور کلی سه مرحله مشخص و مهم را دربر دارد.

۱- در اولین برخورد «ملاء» نذیران الهی را به

اراذل... (۲۷- هود)

«رجال سیاسی قوم گفتند مائو را جزیک بشری مثل خود نمی بینیم و همانا شماها از اراذل ما هستید... تجلی این حقیقت تاریخی را بازبانظری کوتاه به انقلاب کبیر خودمان میتوانیم دریابیم به هنگامی که مبارزه امام خمینی و یارانش می رفت تا دردل توده های مردم جا باز کند، رژیم استکباری شاه، روحانیت مبارز را «کرم درون کفایت» قلمداد می کند این درست همان حرکتی است که قرآن از آن برای پند و عبرت مردم یاد کرده، آری اگر باینش قرآنی به تاریخ نظر افکنیم آیات بینات الهی را در هر مقطعی از تاریخ میتوانیم مشاهده کنیم.

۲- در این مرحله بدلیل اینکه نذیران در قلب مردم جا باز کرده اند، نیروهای سیاسی حاکم سعی در به سازش کشاندن نذیران و حرکت مردم می کنند ولی چون با مقاومت و معارضة آنها روبرو می شوند دست به تبعید نذیران و بشیران الهی می زنند.

«قال الملاء الذین استکبروا من قومه لنخرجنک با شعیب والذین معک فی قرینتا اولنعودن من ملتنا قال اولو کنا کارهین»

رجل سیاسی قوه که استکبار ورزیدند، به شعیب گفتند ما تو و پیروانت را تبعید می کنیم از سرزمینمان مگر آنکه به کیش ما برگردید. شعیب گفت با نفرتی که ما از آئین شما داریم بازگشتن محال است»

اگر روزگار تبعید امام را بیاد آوریم خواهیم یافت که جریان بر همین منوال است که خداوند در کتاب تشریح و تشریحش فرموده است.

نیروهای سیاسی و دستگاه ظلمه چون امام را سازش ناپذیر یافتند ایشان را تبعید کردند تا شاید آتش انقلاب توده ها را بتواند فرو نشانند، ولی بخاطر عدم درک قوانین سنتهای جاری خداوند، خود دچار شعله های فروزان «انقلاب اسلامی» گردیدند.

۳- در آخرین مرحله «ملاء» چون همه راهها را برای مبارزه و از صحنه بدر کردن نذیران عقیم و سترون می یابند دست به طرح قتل و نابود کردن انبیاء خداوند می زنند.

«وجاء رجل من اقصالمدینه یسعی قال یا موسی ان الملاء یا تمرؤن لک ان یقتلوک فاخرج انی لک من ناصحین»

مردی از اقصی نقاط شهر آمد و گفت ای موسی «رجال سیاسی» فرعون در مشورتند که تو را بکشند پس خارج شو که من برای تویک ناصحم

ولی آیا «باطل» میتواند شعله های انقلاب را باد سانس و کلکهای مختلف هر چند پیچیده بقیه در صفحه ۶۱

بابام...

اما از او تا شنیدم که تو هر روز به پزشکی قانونی میری تا اجازه منوبگیری دیگر نتوانستم تحمل بکنم. اخه من سرباز شما هستم فاطمه من فلج شدم. دیگر کاری از دست من بر نمی آید. من نیافت شهادت را داشتم. نمیدونم چرا خدا منو برای شهادت انتخاب نکرد. حتما بندد بد خدا بوده. حتما خدا بیزار بود که در گاهش بره و به طرف اون برگردد.

- نه عبدالله. راد تو همون راهیه که شهدا رفتند و نازده شاید بزرگتر از اون راد باشه.

عبدالله تو رسالت خودت را انجام دادی و حالا نوبت منه و شاید من رو سیاه از این طریق بتونه به خدا نزدیک بشم. عبدالله از امروز به تو افتخار میکنم به راه تو. به ایدو تو. به وجود تو افتخار میکنم. عبدالله میگن جای خدا توی دلهای شکسته ست. خدا دلهای شکسته رو شاد میکنه. اون دلهایی که همیشه با خدا هستند و همیشه دست نیازشون رو به طرف خدا دراز میکنن. خدا روشکر که باز اسمال در کنار هم هستیم. ما وقتی به تو نگاه میکنم. بیاد خدا می افتیم.

عبدالله ما سال نور و با صبر و استقامت آغاز میکنیم و به اراده خدا میبندیم و از او میخواهیم که به ما توانی بده که برای نابودی ظلم بجنگیم و عید ما هم روزیه که از ظلم توی جهان اتاری نباشه. عید ما روزیه که همه باهم برادر باشند. عید ما روزیه که انقلاب بزرگ مهدی (عج) شروع بشه و همه تحت لوای او خدا را بندگی کنیم و تمام وجودمان را به کسی هدیه کنیم که سستی ما ز هستی اوست

ملا...

خاموش کنه؟

هدایت نیروهای حق را احکام و قوانین الهی بعهده دارند. و نابودی باطل را نیز «سنت الله» تضمین کرده است. که ان الباطل کان ذوقا» و بدین گونه خداوند «امر جاری» خود را از طریق قوانین عام حاکم بر جامعه و تاریخ و تمامی پدیده های نظام «وجود» به منصفه ظهور می گذارد. باشد که بادرک عمیق قانونمندی های

الهی از راه یافتگان باشیم. «والسلام»

- (۲) رجوع کنید به «مترفین سوداگران ضد توحید»
- (۳) - مجمع البیان جلد ۴ ص ۴۳۲
- (۴) - مجمع البیان جلد ۴ ص ۴۳۱
- (۵) - المیزان جلد ۸ ص ۱۸۰
- (۶) - به مقاله «مترفین سوداگران ضد توحید» مراجعه کنید.

(۱) - البته این به آن معناییست که دعوت انبیاء فقط برای مستضعفین بوده که پیام نذیران خداوند. «للعالمین» است و نه فقط نیروهای حق را مستضعفین تشکیل می دهند. بلکه عناصری که از موقعیت اجتماعی خویش دست کشیده و به پیامبران پیوسته اند نیز درجه حق جویند.

طوفان شکننده...

قبلا حتی امکان آگاهی از آنها هم نبود. مردم ایران از جانب خودشان هر روز نسبت به این وضع خوش بین تر می شوند و در باره وضع آینده در مورد میزان و وضع قدرتها در منطقه اظهار خوشحالی و سرور می کنند. و حتی قبل از پیروزی نهایی خود را بیگانه

قدرت بزرگ خلیج (فارس) به حساب می آورند. و تمام نشانه ها و آثار جنگ گویای این مسئله می باشد. این اوضاع به مرحله دشواری رسیده است و کشور عربستان سعودی در حالیکه کاملا به پشتیبانی خود از عراق ادامه میدهد سعی در

جلوگیری از پیش آمد حوادث ناگوار آینده دارد و ایران نیز به نوبه خود همچون گذشته اصرار بر ادامه جنگ دارد. تا پیروزی کامل خود را بدست آورد. این اتفاقات و حوادثی بود که تا الان در منطقه جریان داشته و ما منتظر می مانیم تا ماههای آینده ما را از نتایج دیگری مطلع سازند.

سیدجمال، آغازگر....

قوی دل سازد و تاکید داشت که اگر مسلمانان وحدت کلمه و اتحاد پیدا کنند پیروزی از آن آنها است.

او تاکید زیادی بر فریضه جهاد داشت و خاطر نشان می ساخت که در برابر قدرت هایی که مصمم به نابودی اسلامند راهی جز توسل به زور و جور ندارد. (۳)

با این گونه ایده های انقلابی سیدجمال آغازگر طرز تفکری بود که در سراسر جهان

اسلام گسترش یافت و بصورت یک جنبش سراسری درآمد و سرانجام استعمار را مجبور به عقب نشینی کرد و موج خطرناک غربگرانی فرهنگی را نیز فرو نشاند و اسلام اصیل را مجددا شکوفا ساخت که سرانجام این روز به انقلاب شکوهمند اسلامی ایران منجر گردیده است. تعالیم سیدجمال منجر به قیام مسلحانه «اعرابی پاشا» در مصر، «مهدی» در سودان، «جنبش تنباکو» در ایران علیه استعمار غرب شد.

سیدجمال مستقیما یا ب دو سه واسطه پایه گذار تمامی نهضتها، احزاب، و سازمانهای اسلامی بوده که در اواخر قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم پرچم جنبش اسلامی را در جهان باهتزاز در آورده اند. او را براستی باید «مجدد قرن» نامید.

- (۱) حمید عنایت: سیر اندیشه عرب ص ۸۶
- (۲) حقیقت مذهب نیجریه نوشته سید جمال ص ۴۸ بنگاه مطبوعاتی دین و دانش تبریز (۱۳۲۷) (۳) عروة الوثقی: ص ۲۴۳

جهاد